

علم أصول الفقه

۱۳

۹۳-۱۱-۲۹ روش شناسی

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

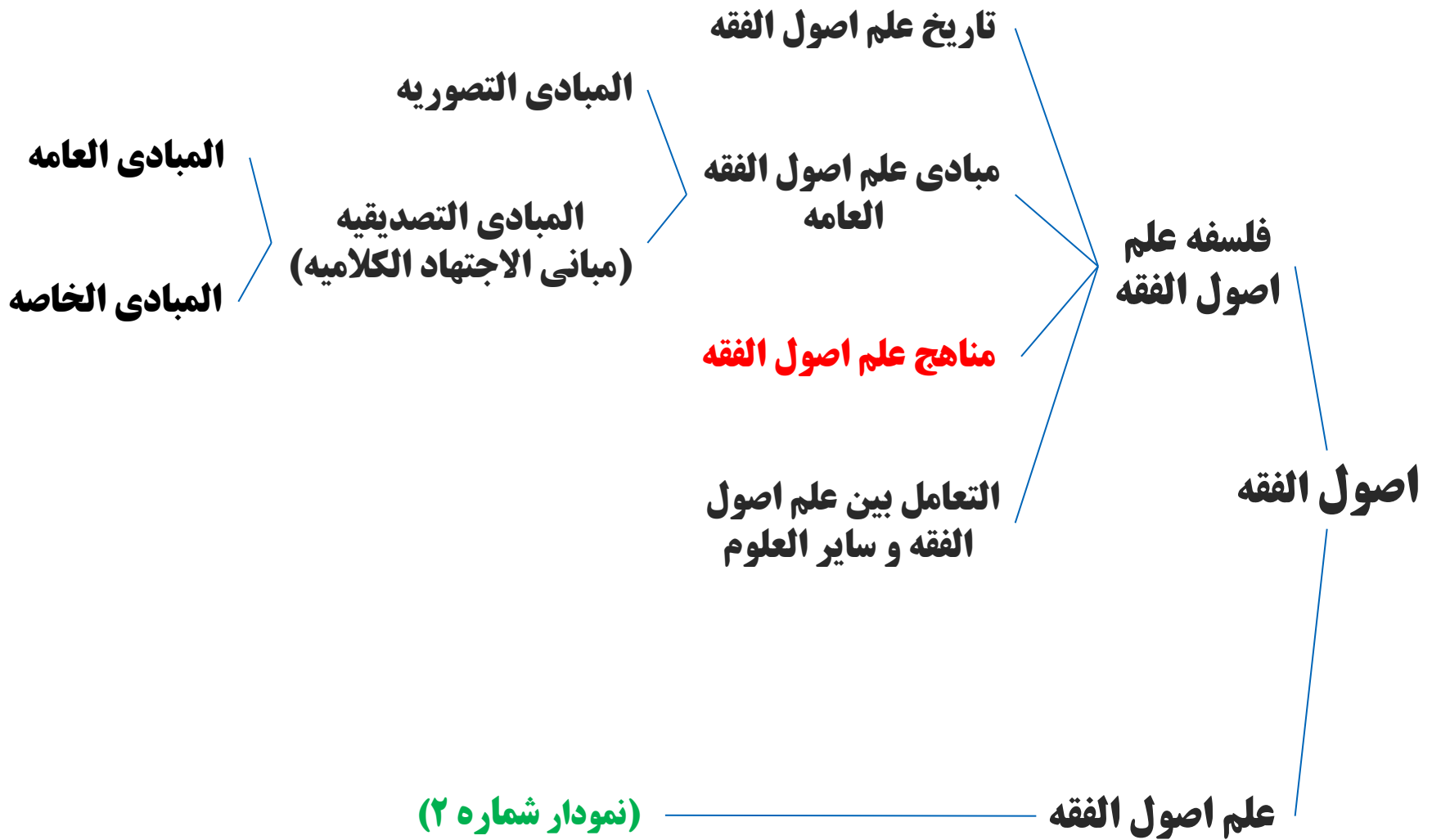
الأخلاء أعداء

• هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
(٦٦)

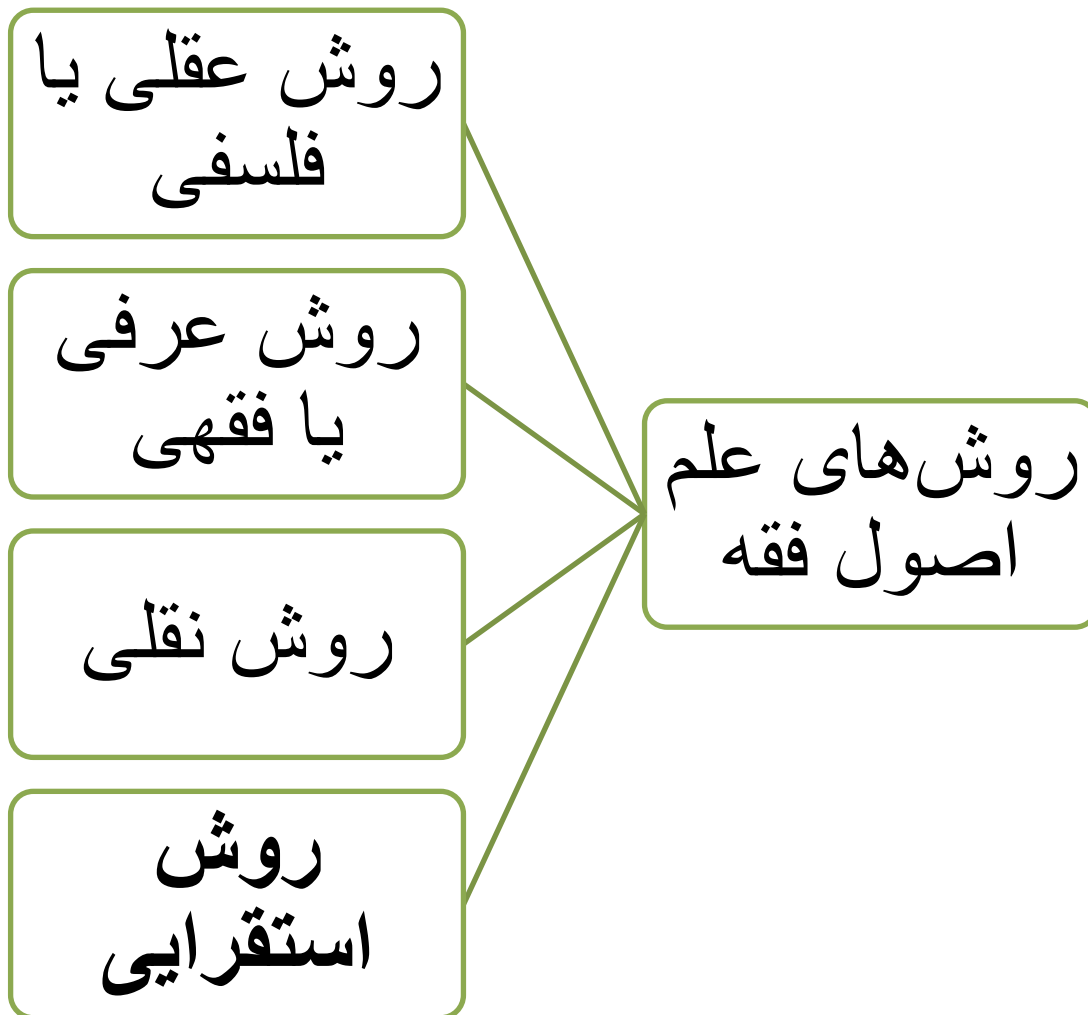
• الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (٦٧)

• يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (٦٨)

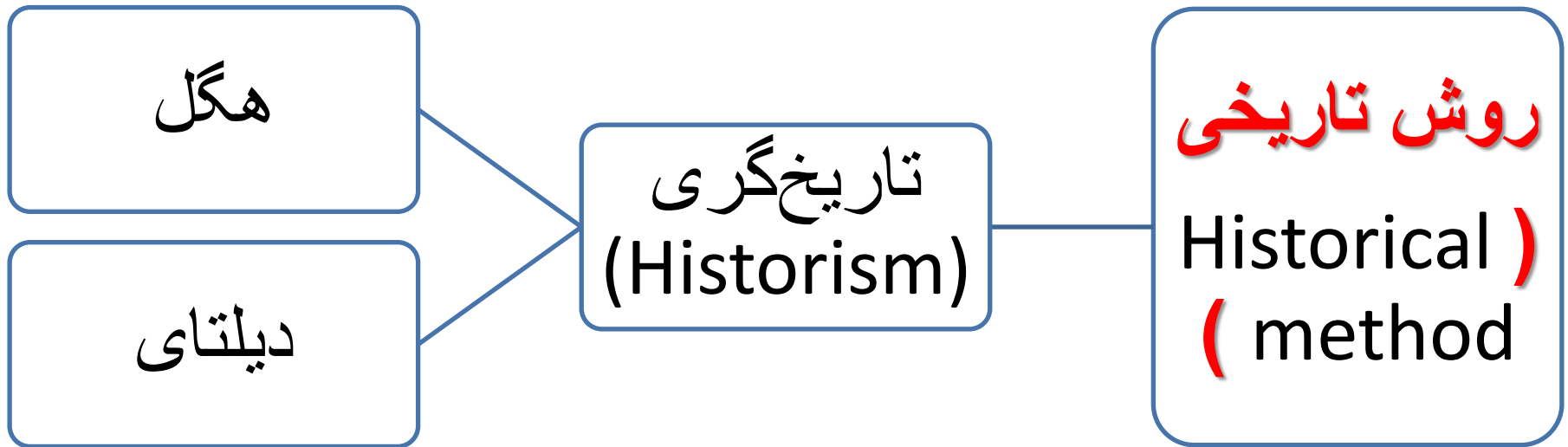
(نمودار شماره ۱)



بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



روش تاریخی در فلسفه‌ی علم



مبانی معرفت شناسانهی روش‌ها

روش
شناسی

معرفت
شناسی

مبانی معرفت شناسانهی روش‌ها

مبانی عام
روش شناسی

مبانی خاص
روش شناسی

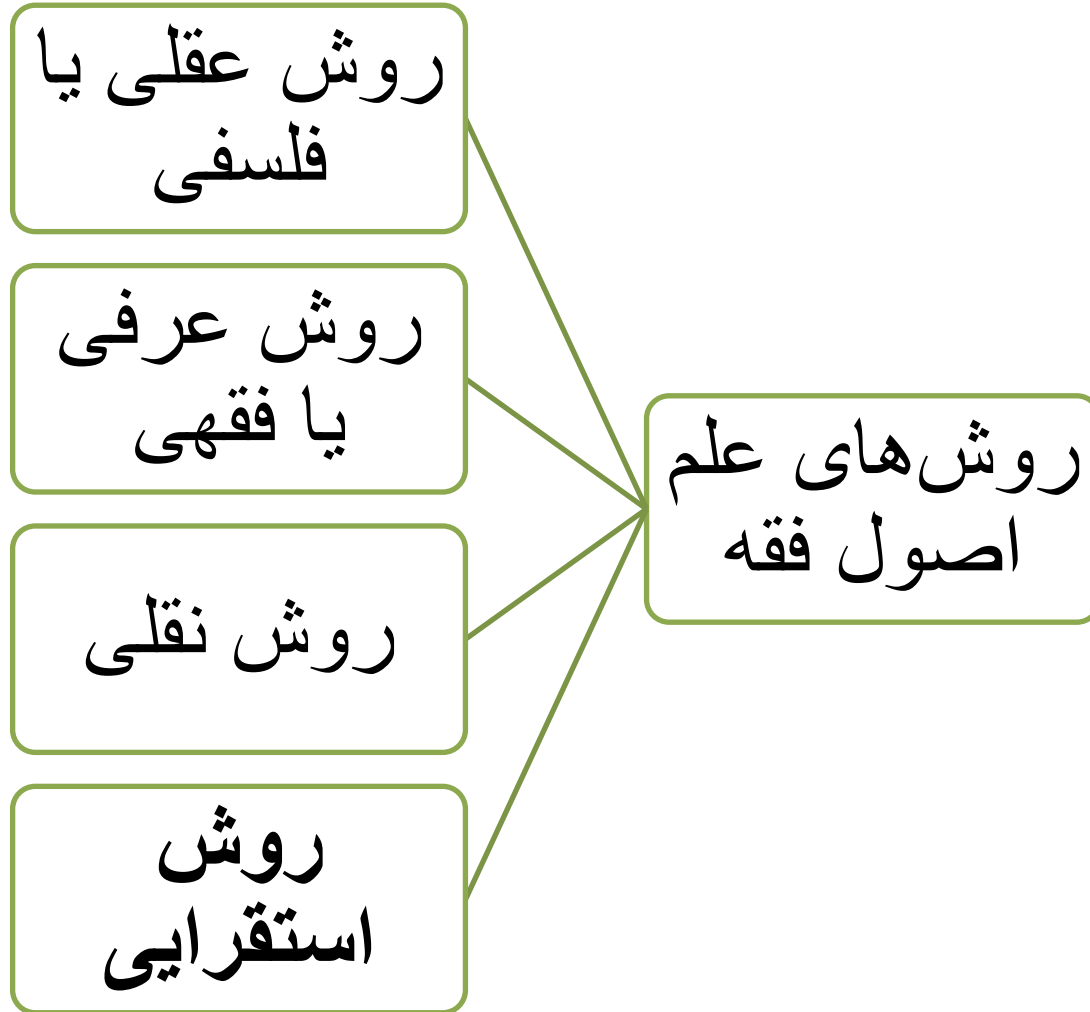
معرفت
شناسی

مبانی معرفت شناسانه‌ی روش‌ها

ممکن بودن
معرفت

اولین بحث معرفت
شناسی

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- فصل چهارم
- ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در ارزیابی روش عرفی و روش نقلی گفتیم: در هر یک از این دو روش مجموعه‌ای از مبانی خاص وجود دارد که اشکالات و ایراداتی را متوجه این دو روش می‌نماید؛

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما بخشی از مباحث معرفتی مربوط به این دو روش، به روش قیاسی و استقرایی بستگی دارد که در پرتو مقایسه‌ی روش قیاسی و استقرایی و توضیح روش استقرایی و نقدهای شهید صدر بر روش قیاسی واضح خواهد شد.
- از این رو، در ارزیابی روش استقرایی، اشکالات و ایراداتی را که به روش قیاسی وارد می‌شود، بیان می‌کنیم و به توضیح حل این معضل از سوی شهید صدر می‌پردازیم.

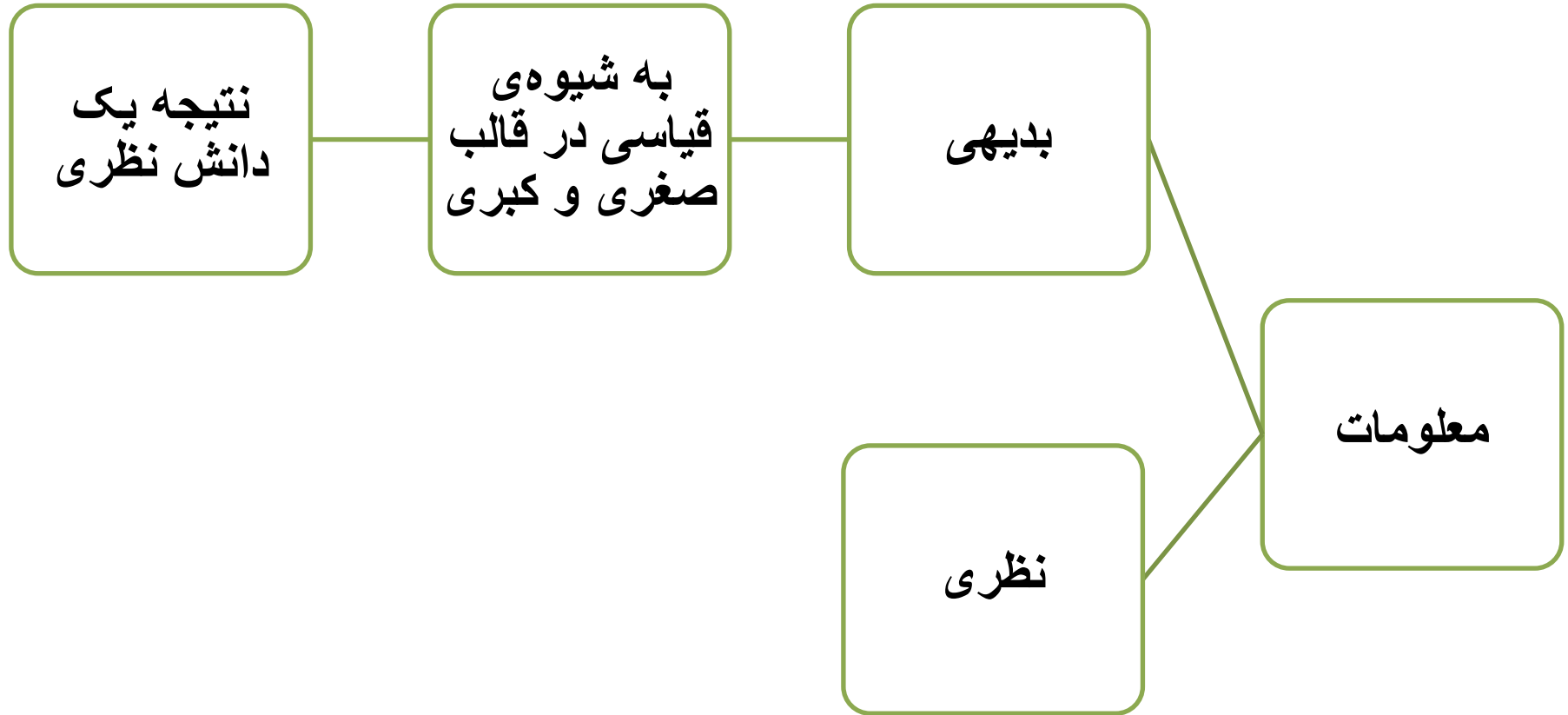
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در ارزیابی روش قیاسی برخی از این اشکالات و رد آنها را نقل کردیم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

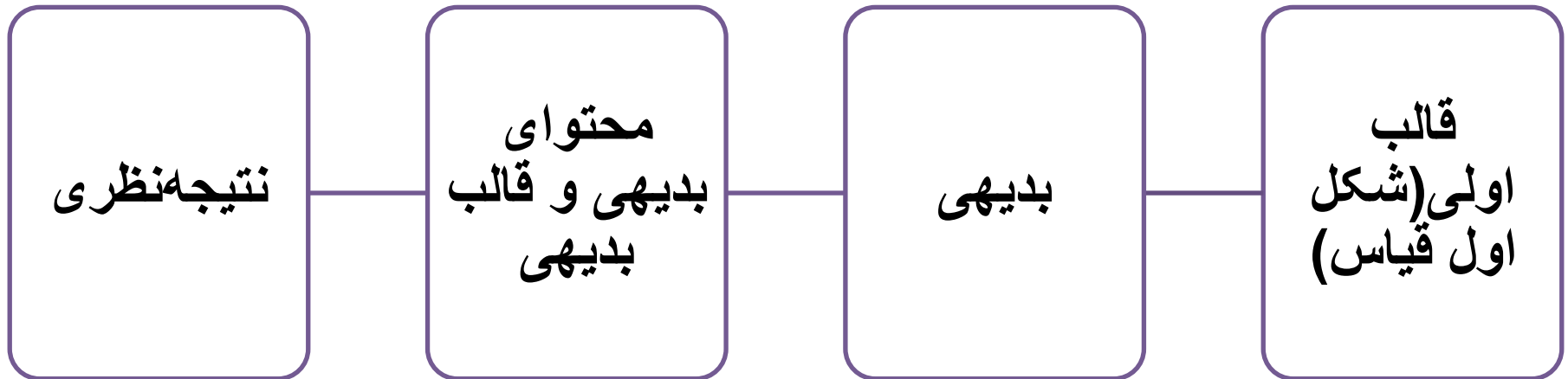
- شهید صدر و روش قیاسی
- یکی از اشکالاتی که بر روش قیاسی وارد می‌شود، تصویری است که این روش از پیدایش معارف جدید دارد. برای توضیح این اشکال ابتدا به بیان خلاصه‌ای از نقطه نظرات منطق ارسطویی می‌پردازیم:

ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

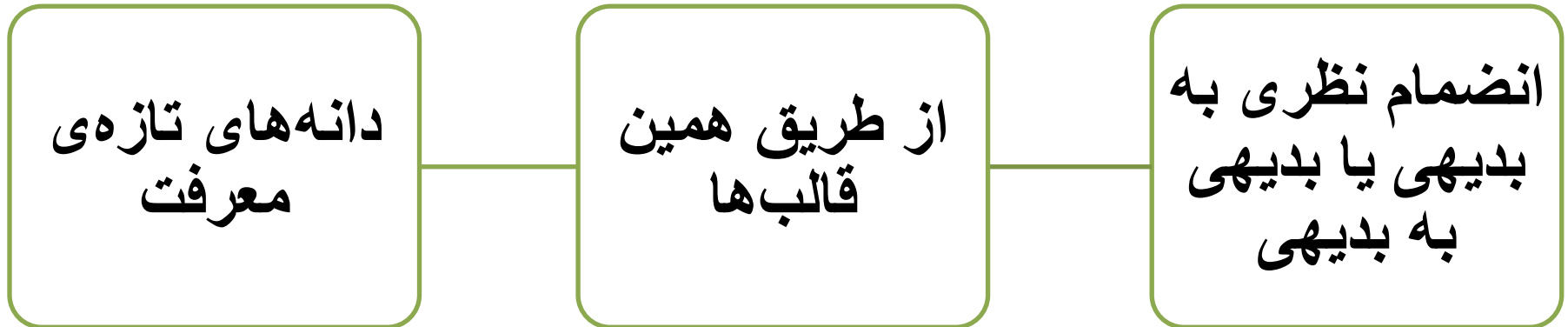


ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی

منطق
ارسطویی



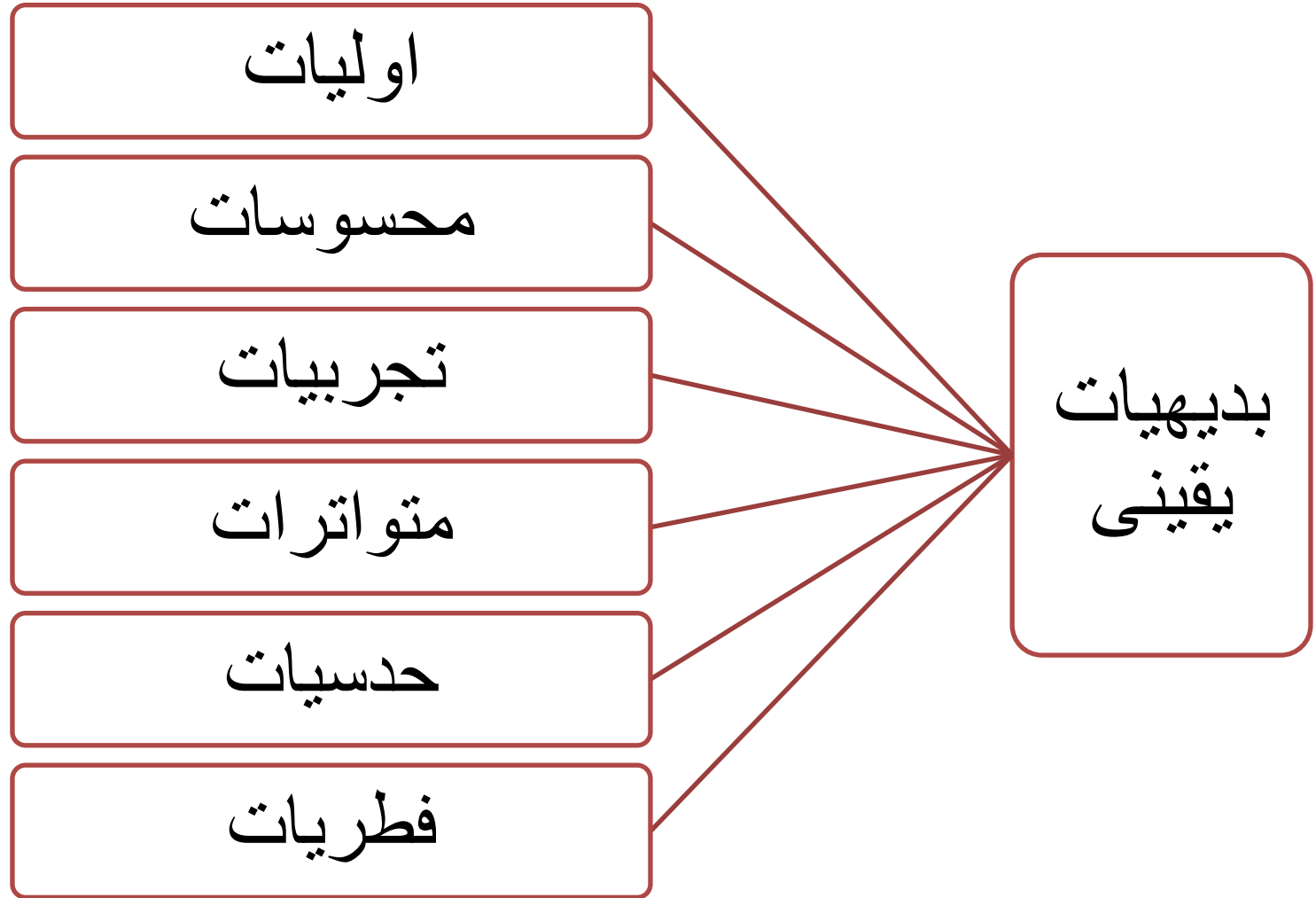
ارزیابی روش عقلی یا فلسفی به لحاظ معرفتی



غیر آن قالب اولی، بقیه‌ی قالب‌ها نیز به نحوی از قیاس شکل اول و از طریق نوعی فرایند قیاسی به دست می‌آیند.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در روش قیاسی گفته می‌شود: همه‌ی معارف نظری به بدیهیات برمی‌گردند و به بیان دیگر بدیهیات سنگ بنای معارف نظری هستند. منطق ارسطویی بدیهیات یقینی را به شش گروه تقسیم می‌کند:

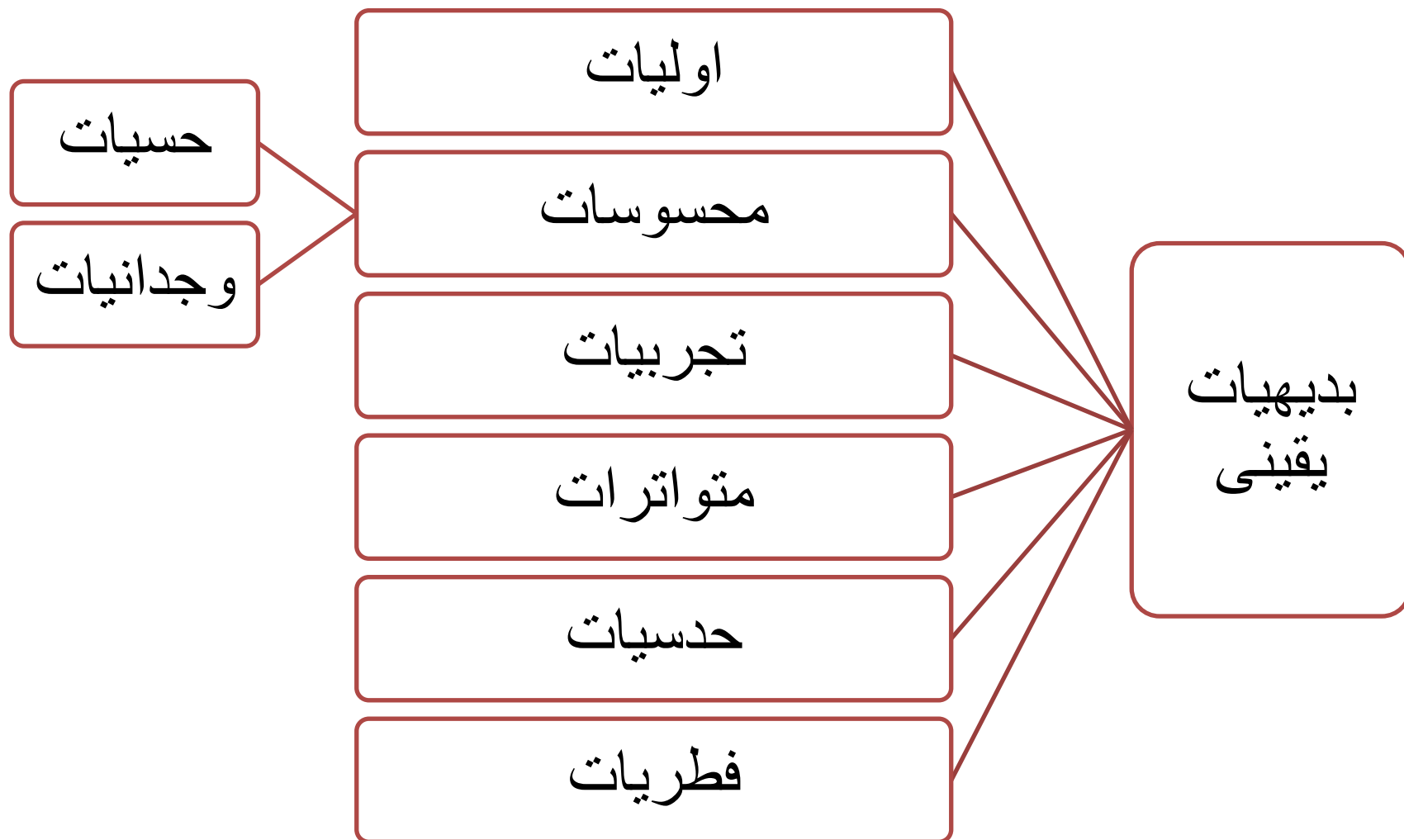


ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۱. اولیات: قضایای اولیه، قضایایی هستند که صرف تصور موضوع و محمول در آنها برای حکم کردن کافی است و در تصدیق به این گونه قضایا غیر از تصور موضوع و محمول نیاز به هیچ چیز دیگری نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- قضیه‌ی «اجتماع دو تقيض محال است» از جمله‌ی این گونه قضایا است. در اینجا اگر مفهوم اجتماع و مفهوم دو تقيض را درک کنیم؛ اجتماع دو تقيض را تصور می‌کنیم و اگر مفهوم محال را بفهمیم یعنی تصور کنیم این حکم را که اجتماع دو تقيض محال است، به تصور قضیه‌ی مورد نظر می‌رسیم، بدون این که به اطلاع دیگری نیاز داشته باشیم. به بیان دیگر صرف تصور اجتماع دو تقيض به عنوان موضوع و محال به عنوان محمول برای حکم کافی است.



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

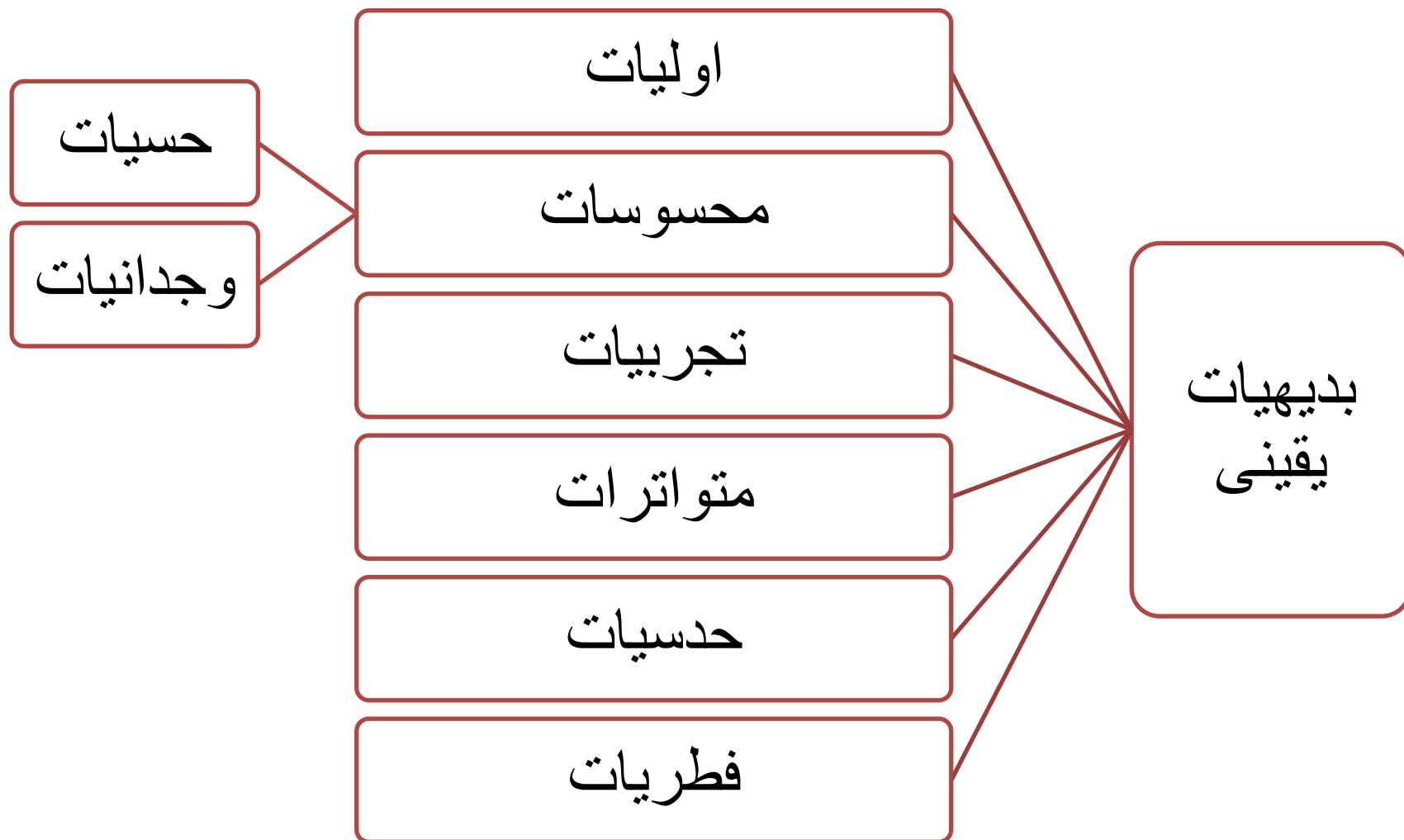
- ۲. محسوسات: در منطق ارسطویی محسوسات به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته محسوساتی هستند که به حس ظاهر ادراک می‌شوند. معمولاً وقتی تعبیر به حس می‌شود، ناظر به همین حواس ظاهری (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، لامسه) است. به این نوع قضایا (قضایای مدرک به حس ظاهر)، حسیات می‌گوییم. قضایایی مثل این سطح نرم است، این پارچه خشن است، این گل خوشبو است، این غذا شور است و... از این جمله قضایا است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- دسته‌ی دیگر محسوساتی هستند که به حس باطن درک می‌شوند. به این قضایا وجدانیات می‌گوییم. این قضایا در واقع اموری هستند که به آنها علم حضوری داریم و علم حصولی ما محصول توجه به این علم حضوری است. مثلاً در آن هنگام که دندان درد داریم، درد دندان در نزد ما حاضر است و ما آن را با حس باطن درک می‌کنیم. این درد، دیدنی و شنیدنی و بوییدنی و چشیدنی و لمس کردنی نیست، اما آن را حس می‌کنیم چون در نفس ما حاضر است.

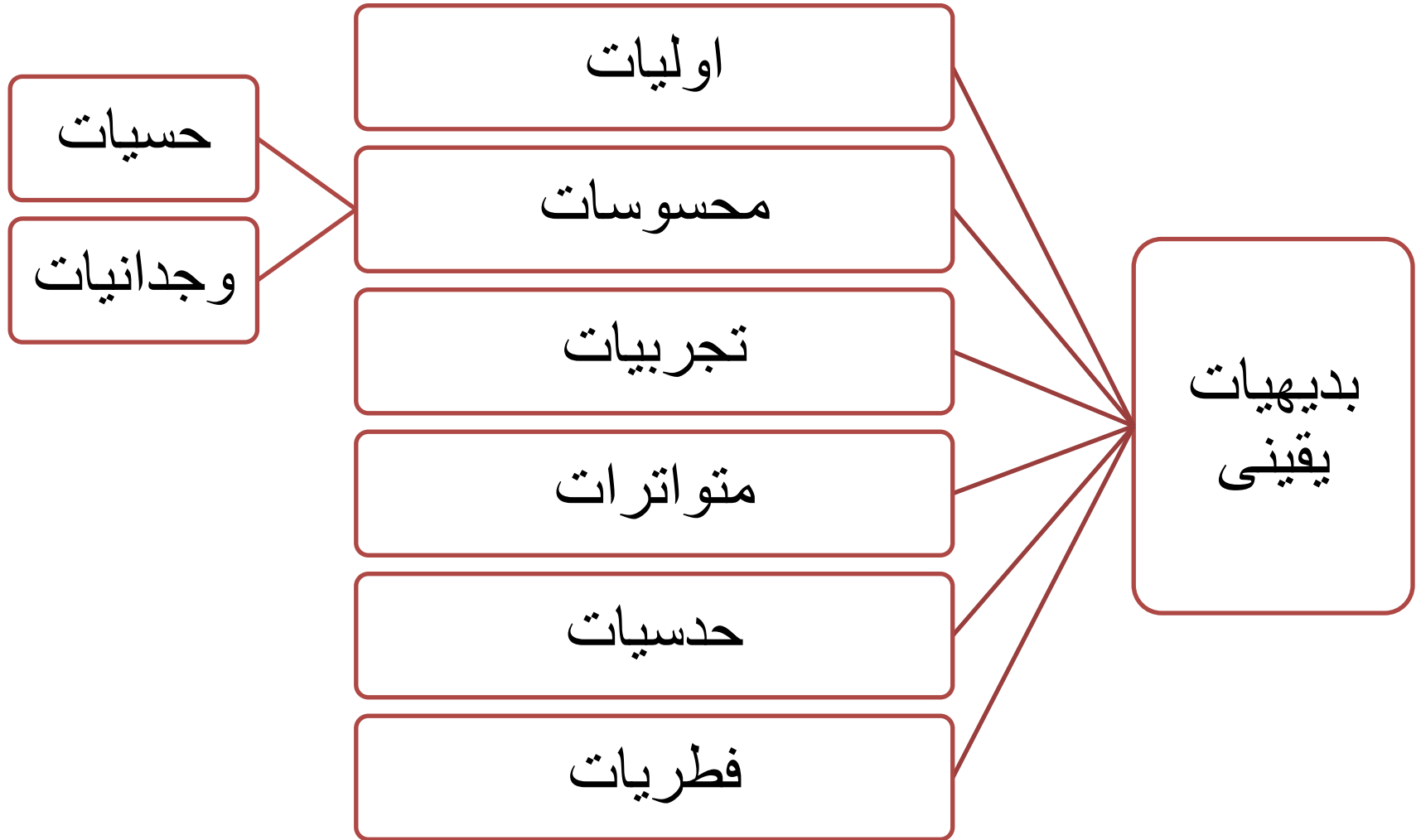
ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- وقتی به این درد توجه می‌کنیم، آن را در قالب یک قضیه بیان می‌نماییم. در این هنگام معلوم ما به یک معلوم حصولی تبدیل می‌شود. بنابراین وقتی در قالب جمله خبری نه در قالب جمله‌ی انشائی می‌گوییم: دندان من درد می‌کند یا درد دندان چقدر عذاب‌آور است، قضیه‌ای که بیان می‌کنیم یک قضیه‌ی وجدانی است.



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۳. تجربیات: قضایای تجربی، قضایایی هستند که از تکرار یک حادثه و تجربه‌ی مکرر به دست می‌آیند. مثلاً وقتی آهنی را حرارت می‌دهیم و انبساط را در آن مشاهده می‌کنیم و بعد آهن دیگری را حرارت می‌دهیم و باز انبساط را در آن مشاهده می‌کنیم و همین طور آهن‌های دیگر را و...، نتیجه می‌گیریم که هر آهنی در اثر حرارت منبسط می‌شود. این قضیه در نتیجه‌ی آن تکرار تجربه به دست می‌آید و یک قضیه‌ی تجربی است.

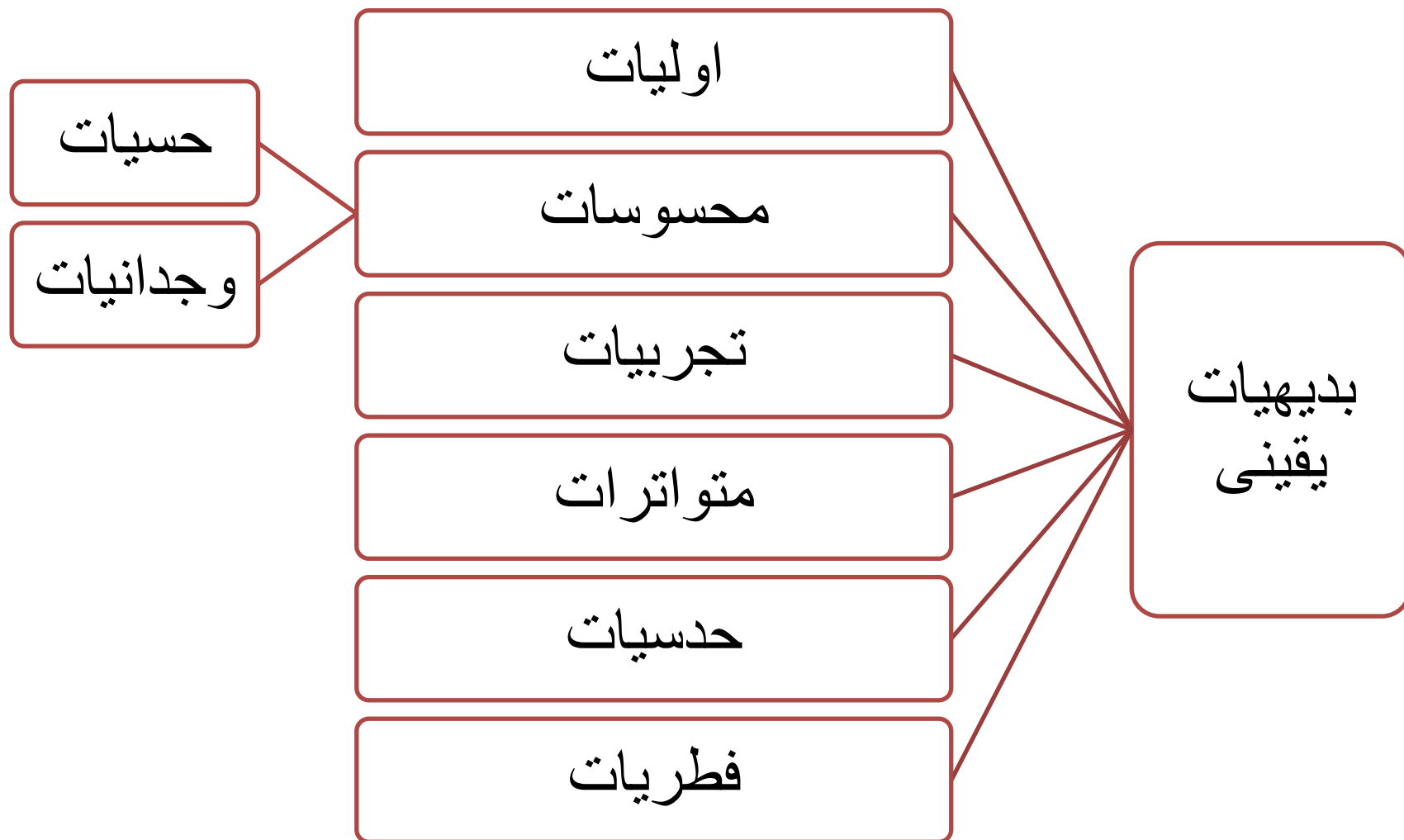


ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۴. متواترات: متواترات قضایایی هستند که در نتیجه‌ی نقل عده‌ی زیادی که اجتماع بر کذب ندارند و در فهم حادثه خطا نمی‌کنند، برای ما حاصل می‌شوند. بسیاری از اطلاعاتی که نسبت به حوادث تاریخی و مسایل جغرافیایی داریم، از جمله‌ی همین قضایا است. مثلاً می‌دانیم شیخ انصاری مردی عالم و زاهد بوده است، با این که هیچ کدام از ما او را ندیدیم و با او زندگی نکردیم. اما آن قدر به طرق مختلف از این شخصیت شنیده‌ایم که احتمال ساختگی بودن خصوصیات او را منتفی می‌دانیم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- همین طور می‌دانیم در فلان کشور، فلان رود یا رودخانه وجود دارد با این که به آن کشور سفر نکرده‌ایم و آن رود یا رودخانه را از نزدیک ندیده‌ایم. یقین ما به وجود چنین امری، نتیجه‌ی اخبار عده‌ای است که اتفاق آنها را بر کذب محال می‌دانیم.

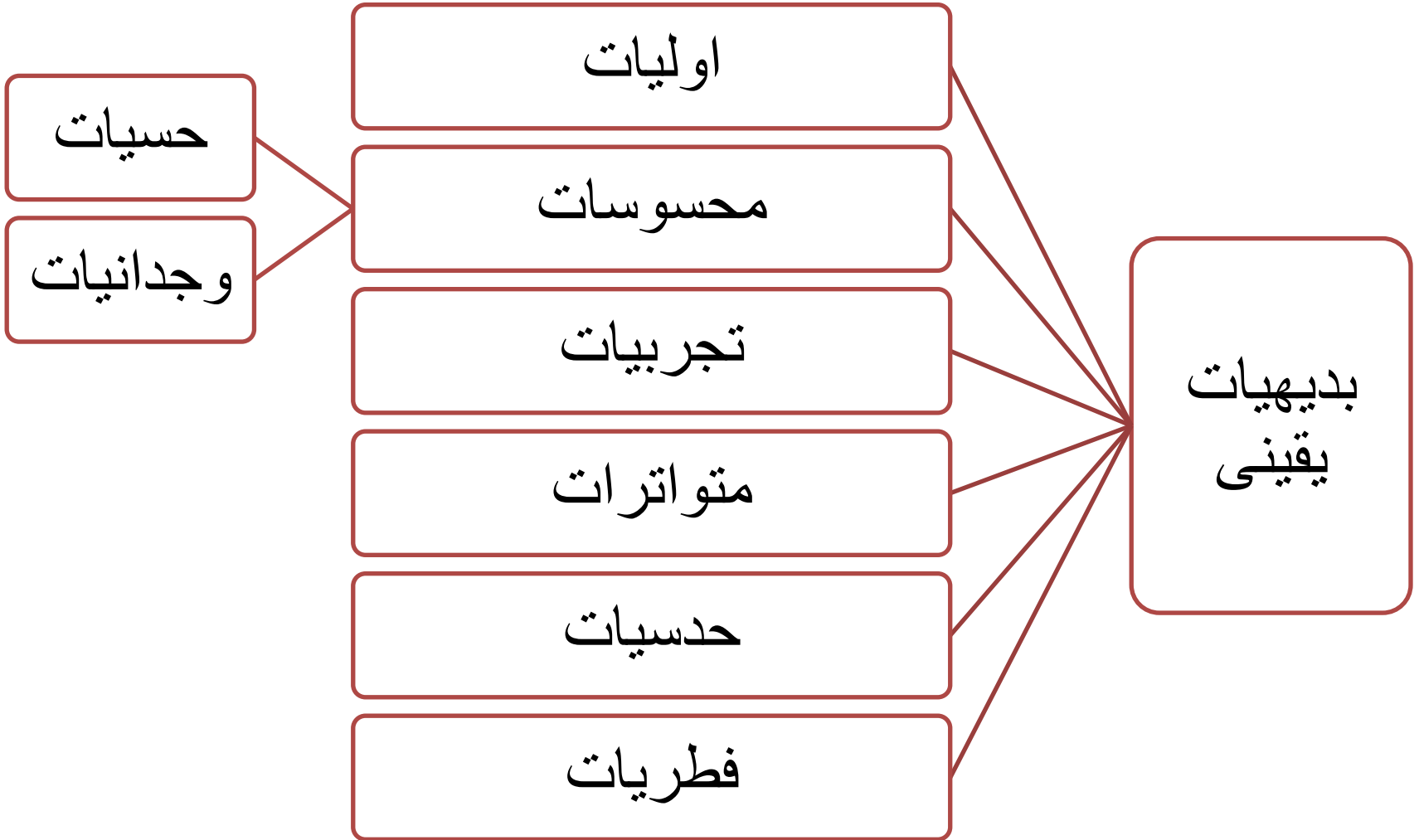


ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۵. حدسیات: قضایای حدسی، قضایایی هستند که با قوهی حدس به دست می‌آیند. مثالی که در گذشته برای این نوع از قضایا زده می‌شد، این است که وقتی یک کشتی از دور به سمت ساحل می‌آید، آنچه در ابتدا دیده می‌شود، قسمت‌های بالای کشتی است و بعد به مرور قسمت‌های پایین‌تر پیدا می‌شود.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- از این نکته حدس می‌زنیم که زمین کروی است. اگر زمین مسطح بود، با توجه به این که آب در یک سطح می‌ایستد و بالا و پایین ندارد، قسمت بالا و پایین کشتی یک دفعه دیده می‌شد. در اینجا یک نتیجه‌گیری قیاسی وجود ندارد و استدلالی در کار نیست. ما از رؤیت این پدیده حدس می‌زنیم که زمین کروی است.



ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۶. فطریات: قضایای فطری، قضایایی هستند که قیاسات آنها با خود آنها است. یعنی در عین حال که نظری هستند، اما قیاسی که برای رسیدن به چنین امر نظری نیاز است، در خودشان وجود دارد. مثلاً قضیه‌ی «دو نصف چهار است» یک قضیه‌ی فطری است. در این قضیه صرف تصور موضوع و محمول برای حکم کافی نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ما حتماً باید بدانیم که چهار به دو قسمت مساوی دو و دو تقسیم می‌شود و هر عددی که به دو قسمت مساوی تقسیم شود، هر یک از آن قسمت‌ها نصف آن عدد است. اما این قیاسی که تشکیل دادیم، در متن همین قضیه - دو نصف چهار است - وجود دارد و نیازمند به قیاس مستقلى نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این شش گروه بدیهی در نظر منطقی ارسطویی، منبع سایر معارف ما است. بنابراین هر معلومی اگر خودش جزو همین بدیهیات نباشد، نهایتاً به یکی از این شش گروه منتهی می‌شود.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- مطلب دیگری که در منطق ارسطویی مطرح است این است که برای تبدیل یک مجهول تصوری به معلوم نیازمند معرف و برای تبدیل یک مجهول تصدیقی، نیازمند حجت هستیم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در طبقه بندی حجج، منطق ارسطویی حجت را به سه قسم تقسیم می‌کند:
- ا. حرکت از کلی به جزئی (قیاس)
- ب. حرکت از جزئی به کلی (استقراء)
- ج. حرکت از مساوی به مساوی، کلی به کلی یا جزئی به جزئی (تمثیل).

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اساس منطق ارسطویی بر قیاس استوار است و در بخش حجت تأکید این منطق بر قیاس است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما آنچه در اینجا بیشتر مورد بحث ما است، استقراء است. استقراء در منطق ارسطویی به دو قسم تام و ناقص تقسیم می‌شود.
- استقراء تام در منطق ارسطویی مفید یقین است. در این نوع استقراء، مستقری تمام جزئیات مربوط به یک کلی را استقراء و بعد نسبت به آنها قضاوت می‌کند. در نظر منطق ارسطویی استقراء تام به قیاس برمی‌گردد و در واقع مستقری در تمامی موارد استقراء تام، به نوعی قیاس تشکیل می‌دهد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- مثلاً فرض کنید در یک استقراء تام حکم کنیم که سن تمام افراد یک کلاس، بیش از نوزده سال است. علت حکم ما این است که کلاس مذکور چیزی جز افراد آن نیست و فرض این است که در مورد سن تک تک افراد آن تحقیق کرده‌ایم. پس می‌گوییم: افراد این کلاس جز زید و امر و بکر و خالد و... نیست. زید بیش از نوزده سال دارد، امر بیش از نوزده سال دارد و... پس کل افراد بیش از نوزده سال سن دارند.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در استقراء ناقص به خلاف استقراء تام مستقری برخی از جزئیات کلی را استقراء می‌کند و سپس نسبت به آنان قضاوت می‌نماید. از این رو، در نظر منطق ارسطویی این استقراء مفید یقین نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- همین گزارش اجمالی از منطق ارسطویی، سؤالی را در اذهان ایجاد می‌کند و آن این که: منطق ارسطویی از یک سو ادعا می‌کند استقراء ناقص مفید یقین نیست و از سوی دیگر ادعا می‌کند که تجربیات جزو بدیهیات شش‌گانه‌اند. آیا این دو مطلب با هم تناقض ندارد؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- تجربیات قضایی هستند که از مشاهده‌ی مکرر پدید می‌آیند، اما همین قضایا از مشاهده‌ی چند مصداق به دست می‌آیند. وقتی می‌گوییم هر آهنی بر اثر حرارت منبسط می‌شود، چند مصداق از مصادیق آهن را مورد آزمایش قرار داده‌ایم، نه همه‌ی مصادیق آهن را. یعنی گویا تجربیات به یک استقراء ناقص هستند هستند. در حالی که منطق ارسطویی قایل است تجربیات از قضایای بدیهی یقینی هستند و استقراء ناقص اصلاً مفید یقین نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بوعلی سینا و دیگرانی که در منطق ارسطویی کتاب نوشته‌اند، به این اشکال پاسخ داده‌اند. گفته‌اند: بین تجربیات و استقراء ناقص تفاوت است. در موارد تجربه یک دانش عقلی قبلی وجود دارد که به استناد آن دانش، یک قیاس تشکیل می‌شود. در حالی که در موارد استقراء ناقص چنین قیاسی وجود ندارد. در نظر منطق ارسطویی در موارد تجربه بین دو امر، علیتی را کشف می‌کنیم؛ حال آن که در موارد استقراء ناقص چنین چیزی رخ نمی‌دهد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- مثالی که منطق ارسطویی برای استقراء ناقص می‌زند، تکان خوردن فک پایینی حیوانات در هنگام جویدن است. اگر مصادیق زیادی از حیوانات را مشاهده کنیم که هنگام جویدن، فک پایینی خود را تکان می‌دهند و حکم کنیم که هر حیوانی در هنگام جویدن، فک پایین خود را تکان می‌دهد، یک استقراء ناقص انجام داده‌ایم، نه یک تجربه. از این رو، این حکم ما ممکن است نقض شود، همان طور که در تمساح چنین است؛ این حیوان هنگام جویدن فک بالای خود را تکان می‌دهد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- وقتی این مشاهده تبدیل به تجربه می شود که بین دو امر علیتی را کشف کنیم. مثل آنجا که حرارت و انبساط را با هم در آهن مشاهده می کنیم و یقین می نماییم بین حرارت و انبساط رابطه‌ی علی وجود دارد. در اینجا است که می توان حکم کلی صادر نمود.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در واقع در این گزاره‌ی «هر آهنی در اثر حرارت منبسط می‌شود»، از یک دانش قبلی یا پیشنه‌ی عقلی استفاده کرده‌ایم و آن این که هر گاه علت، تحقق پیدا کند، معلول، محقق می‌شود. این دانش پیشین عقلی، مستند توسعه‌ی ما است تا بتوانیم از موارد جزئی به نتیجه‌ی کلی برسیم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما چگونه از مشاهده‌ی چند آهنی که در اثر حرارت منبسط می‌شوند، به علیت بین حرارت و انبساط پی می‌بریم؟
- منطق ارسطویی در جواب این پرسش نیز می‌گوید: این هم بر یک نکته عقلی و یک دانش پیشین عقلی مبتنی است.
- آن دانش این است که اتفاق نسبی امری دایمی نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- توضیح آن که:

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اتفاق یا صدفه در مقابل لزوم یا ضرورت قرار می‌گیرد.
- اگر بین دو چیز تلازم باشد به گونه‌ای که وجود یکی، دیگری را اقتضا کند، می‌گوییم: بین آن دو لزوم و ضرورت وجود دارد.
- صدفه یا تصادف یا اتفاق نقطه‌ی مقابل لزوم و ضرورت است و خود به دو گونه است:
 - أ. اتفاق مطلق.
 - ب. اتفاق نسبی.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اتفاق مطلق آن است که یک پدیده بدون هیچ گونه علتی رخ دهد. اما همان طور که در فلسفه بیان می شود، چنین چیزی با مبدأ علیت منافات دارد. مبدأ و اصل علیت اقتضا می کند که هر پدیده ای نیازمند علت است، مگر پدیده ای که تحقق و وجود برای آن ضرورت داشته باشد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- به بیان دیگر موجودات در فلسفه یا واجب الوجود هستند و یا ممکن الوجود. هر چه ممکن الوجود است، نیازمند به علتی در تحقق است. وقتی علت تحقق آن وجود داشته باشد، وجود برایش ضرورت پیدا می‌کند - یعنی از امکان خارج می‌شود - و موجود می‌گردد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- صدفه‌ی نسبی و اتفاق نسبی آن است که دو پدیده که هر کدام دارای علت خاصی هستند، با هم متقارن شوند بدون این که بین خود آنها ارتباط علی وجود داشته باشد؛ مثل این قضیه شرطیه‌ی اتفاقیه که «اذا كان الانسان ناطقاً فالحمار ناهق» نطق انسانی و ناهق بودن حمار، هر یک تابع علت خاص به خود است؛ اما هیچ رابطه‌ای بین این دو نیست اگرچه کنار هم تحقق پیدا کرده‌اند. نه ناطق بودن انسان اقتضای ناهق بودن حمار را دارد و نه ناهق بودن حمار اقتضای ناطق بودن انسان را.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- حال در موارد تجربه ما دو پدیده را کنار هم مشاهده می‌کنیم. مثلاً حرارت آهن را کنار انبساط می‌بینیم. براساس مبدأ استحاله‌ی صدفه‌ی مطلقه، حرارت و انبساط هر یک از علتی پدید آمده‌اند؛ اما می‌توانند اتفاقاً در کنار هم قرار گرفته باشند. یعنی مثلاً به دلیلی فلز گرم شود و به دلیل دیگری منبسط گردد. این مشاهده را در بار دوم، بار سوم و... به دفعات تجربه می‌کنیم. اینجا است که نمی‌توانیم حکم به اتفاقی بودن این تقارن بکنیم.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در نظر منطق ارسطویی اگرچه اتفاق نسبی ممکن است، اما دایمی یا اکثری نیست. اگر این تقارن در چند دفعه رخ دهد و در دفعات دیگر رخ ندهد، می‌توانیم بگوییم: اتفاقی بوده‌اند.
- اما اگر همیشه بینیم این دو پدیده با هم هستند، دیگر عقل نمی‌پذیرد که اتفاقاً علت یکی با علت دیگر تقارن یافته است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این حکم فقط در مواردی که این دو پدیده همیشه با هم هستند، وجود ندارد؛ بلکه در مواردی که اکثراً با هم هستند، نیز هست. یعنی صدفه‌ی نسبی نه تنها دایمی نیست، اکثری هم نیست. وقتی دو پدیده را در اکثر موارد با هم مشاهده می‌کنیم، نمی‌توانیم بگوییم این دو پدیده هیچ رابطه‌ای با هم ندارند و اتفاقاً در اکثر موارد با هم تقارن یافته‌اند.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- بنابراین در نظر منطق ارسطویی بین مواردی که تجربه کردیم (مشاهده‌ی امور جزئی) و بین آن نتیجه‌ای که می‌گیریم (حکم کلی)، شکافی وجود دارد که آن را اطلاع عقلی قبلی و پیشینی پر می‌کند و آن این که اتفاق و صدف‌های نسبی اکثری و دایمی نیست. پس اگر حرارت و انبساط در تعداد زیادی از مشاهدات ما مقارن شدند، معلوم می‌شود که بین آنها یک رابطه‌ی علی وجود دارد. بر اساس این رابطه‌ی علی است که هر وقت حرارت باشد، انبساط هم وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- خلاصه آن که تجربه در منطق ارسطویی بر سه نکته مبتنی است:
- ا. اصل علیت که می‌گوید: هر پدیده‌ای دارای علتی است و هیچ‌گاه هیچ پدیده‌ای بدون علت رخ نمی‌دهد که این اصل در واقع همان انکار صدفه‌ی مطلقه یا تصادف محض است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ب. تحقق معلول هنگام تحقق علت که این نیز عبارت اخرای مبدأ علیت است.
- ج. استحاله‌ی اکثری یا دائمی بودن صدفه‌ی نسبی.
- منطق ارسطویی با استناد به این نکات که دانش پیشین عقلی هستند، به نحو یقینی از جزئیات به یک حکم کلی می‌رسد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- از میان این سه نکته، شهید صدر روی سومی یعنی نفی صدفه‌ی نسبی تأکید می‌کند و به این بحث می‌پردازد که آیا این دانش آن گونه که منطق ارسطویی ادعا می‌کند، یک دانش پیشین عقلی است و عقل بدون تجربه و بدون حس آن را درک می‌نماید؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- چرا که مقصود از معارف پیشین عقلی، معارفی است که برای انسان قبل از تجربه و قبل از حس پیدا می‌شود. آیا در اینجا قبل از این که هیچ گونه تجربه یا حسی داشته باشیم، یک مبدأ عقلی داریم به این صورت که تقارن دو حادثه که هر یک علت خاص خود را دارند به صورت اکثری یا به صورت دایمی بدون این که بین آنها رابطه‌ی علی باشد، محال است؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- آیا عقل چنین ادراکی را دارد؛ همان گونه که عقل قبل از هر گونه تجربه‌ای این معنا را ادراک می‌کند که اجتماع دو نقیض محال است یا قبل از هر گونه تجربه‌ای درک می‌کند که کل بزرگتر از جزء است؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر برای بحث حول این مطلب ابتدا به یک ساده سازی در منطق ارسطویی می پردازد و می گوید:

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- در منطق ارسطویی گفته نشده که با چند بار مشاهده، یک قضیه‌ی تجربی حاصل می‌شود. به بیان دیگر در منطق ارسطویی برای نفی صدفه‌ی نسبی مرز عددی مشخص نشده است. بنابراین معلوم نیست تا چه عددی اتفاق نسبی ممکن است و از آن عدد به بالا امکان ندارد. به طور مثال در منطق ارسطویی گفته نشده که اگر دو پدیده تا نودونه بار با هم دیده شوند، اتفاق امکان دارد، اما اگر بار صدم با هم دیده شوند، دیگر ممکن نیست پیدایش آن دو با هم، اتفاقی باشد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- اما برای این که بحث ساده تر شود، فرض می‌کنیم منطق ارسطویی عدد ده را به عنوان مرز استحالی صدفهی نسبی تعیین کرده باشد. یعنی مثلاً اگر ده دفعه آهن‌های مختلفی را حرارت دادیم و منبسط شدند، نتیجه می‌گیریم بین حرارت آهن و انبساط آن رابطه‌ی علی وجود دارد و محال است که این تقارن اتفاقی باشد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر سپس می گوید:

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- با این فرض منطق ارسطویی باید از چنین مبنایی، یک علم اجمالی را نتیجه بگیرد و آن این که اگر بین دو امر رابطه‌ی علی نباشد، حداقل باید در یکی از ده بار مشاهده، تقارن صورت نگیرد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- پس اگر مثلاً می‌دانیم بین حرکت دست ما و حرکت نردبان در پشت بام روبه‌رو هیچ رابطه‌ی علیّی نیست و هیچ کدام علت دیگری و یا هر دو علت امر ثالثی نیستند، باید لااقل در یکی از ده موردی که مشاهده می‌کنیم، این دو حرکت با هم تقارن پیدا نکنند. زیرا طبق مبنایی که بیان نمودیم، اگر هر ده بار، این دو با هم مشاهده شدند، حتماً بین آنها رابطه‌ی علیّی وجود دارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- علامه طباطبایی در نهایه و بدایة این بحث را تحت عنوان بخت و شانس مطرح می‌کند و می‌گوید: آنچه مردم به آن بخت یا شانس می‌گویند، همین است که چیزی کاملاً بدون علت اتفاق افتد؛ در حالی که این توهمی بیش نیست.
- این مضمون همان حکم عقلی «الشیء ما لم یجب لم یوجد» است.
- ر. ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقیه للاستقراء، صص ۴۱ - ۳۹.
- ر. ک: محمد باقر صدر، الاسس المنطقیه للاستقراء، صص ۴۸ - ۱۳.
- البته ممکن است در هیچ موردی تقارن حاصل نشود، زیرا فرض این است که بین آنها هیچ رابطه‌ی علی وجود ندارد.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این علم اجمالی، علم اجمالی به اصطلاح اصولی‌ها است و منشأ آن یکی از دو امر زیر است:
- ا. یک دانش پیشین عقلی.
- ب. یک دانش خاص موردی.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- به طور مثال فرض کنید می‌دانید در دست دوستان چیزی هست، اما نمی‌دانید آن چیست؟ قبل از این که علمی به آن شیء پیدا کنید، یقین دارید که آن شیء از یک جهت و در یک زمان هم سفید و هم سیاه نیست. زیرا سفیدی و سیاهی با هم تضاد دارند و با هم جمع نمی‌شوند. این علمی که دارید از دانش پیشین شما نشأت گرفته است.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- حال فرض کنید دوستان کتابی از کتابخانه‌ی شما برمی‌دارد و می‌گوید من یک کتاب اصولی برداشتم و فرض کنید شما نمی‌دانید او کدام کتاب اصولی را برداشته است. در این صورت شما می‌دانید که کتابی از کتاب‌های اصولی شما در کتابخانه نیست، ولی نمی‌دانید آن، کدام کتاب است؟

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- این علم اجمالی شما از یک دانش موردی نشأت می‌گیرد. یعنی عقلاً ضرورت ندارد که یکی از آن کتاب‌ها در کتابخانه نباشد؛ همه‌ی آن کتاب‌ها می‌توانسته در کتابخانه وجود داشته باشد؛ هیچ تضاد و تمنعی بین کتاب‌های اصولی وجود نداشت و الآن وجود ندارد. با این حال به دلیل آنچه دوستان برای شما گفت، شما می‌دانید یکی از کتاب‌ها در کتابخانه نیست.

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- شهید صدر با توجه به این دو مطلب:
- ۱. مبنای منطق ارسطویی در باب صدقه‌ی نسبی، یک علم اجمالی را اقتضا می‌کند و

ارزیابی روش استقرایی به لحاظ معرفتی

- ۲. منشأ این علم اجمالی یا یک تمناع، تضاد و تنافی عقلی است و یا یک علم موردی،
- به ادامه‌ی بحث می‌پردازد و در طی هفت اعتراض که بر این مبنا وارد می‌کند، ثابت می‌نماید که منشأ این علم اصولی نه یک دانش پیشین عقلی است و نه یک علم خاص موردی.